

صلحه اول	طریق	۳ وان
صلحه دوم و سوم	»	۲
صلحه چهارم	»	۱

این روزنامه بمنون قاضی کتبی برای کسی ارسال نمیشود
وجه اش زیرا:

سالانه	نیاهده سه ماهه
۱۰۰ فران	۵۰ فران
خارج	بلاوه اجرت نیست

قیمت لک شماره نایاب ماه ۴ شاهی است

مردانه

بمسایه و هر دو ب
شناشک قادرین ما ملکیت هستند قرار بود هیئتی در جواب های راجع
از انتخاب شوهر خوب دقت کرده و سه جوابی را که از همه بهتر است
معین کرد. و جایزه دوم را برای جواب یازدهم که به امضای فرمانده
خانون بود.
لکن چه جایزه سهم هنوز معالم نیست نا آخر هفته آنها نهیان
خواهد شد.

کرده است. مثلاً

۱- دانشیک و مدل دو شه
آزاد شده اند
۲- بوسپه مراجعه باراء عمومی ناچه
(شازویک هو لشانین) به دانمارک داده
شده و قسم زیادی از سهاری بلهستان
در این صورت چکوته اروپا میتواند در
میانه اینجید نظر موافقت حاصل کند
بعقبده بامعلمی گردان این نجده
نظر غیر ممکن است زیرا که اکرصحبت
از آن بیان پاییده بکن تهیان موادی
که به مفهوم نجاعت خواهد شده باهای بولاند
شاید بالاخره امینا بواسطه نتوء
هزاری که از نقطه نظر اقتصادی برسایر
مالک دارد بتواند حکم شده طرفین
را باهم صلح دهد!

قانون استثنای ام

مئین

در مقام قبیل گفته که هزارین
مقری معلمین باید دو اصل منظور شود
نایاب حقوق در نام مملکت برای معلمین
که واحد شرایط واحد هستند - نتایب
بودن حقوق با مخارج زندگانی در هر
محل توضیح این دو اصل بناهه متصاد
این است: هزاران و هیج که هر معلم در یافته
مهداد من کی است از دو قسم: یک
قسم مربوط پسخواست معلم و یک قسم
مربوط پسخواست اقامت او
مقدار قسم دوم - که اسم آن
را مدد معاش محلی کذاریم - متصاد
خواهد بود با مخارج زندگانی محلی که معلم
در آن اقامت دارد. هزاران
چون از طرف دیگر به تبوت رسیده
است که هر قدر جمیعت مکانی زیاد شر
باشد مخارج زندگانی بیشتر است -
مبلغ مده معاش متناسب خواهد بود با
جمیعت هر محل اصولی که ذکر گردید
باید در قانون استفاده معلمین قبیل
شود و متساواه در طرح پیشنهادی هیج اشاره
باید شده است. بعقبده ما بجای ماه ۲۳ باید
توشت

ساقط شده بود

عجالنا از گذشتہ بکدرم خوب
یابد حجب و تعارف مدنی آقای
مستوفی را تکاهداشت ولی مدت
شمازف هم بسر آمد. شازده نفر
مخالقین جدید حکومت به بقیه هیئت
اختلاف تصمیم خودشان را گفتند
دولت افای مستوفی در مجلس دکر
اکریت ندارد. بهتر است خود
افای مستوفی زو دتو این بحدار از
خانه بدهند.

دادر

ساقط در خارجه

وضع از دیا

تا آنکه افای مستوفی پس از

هدمه روز مط لعه چهار و زیر خوب
نازین - محجوب و ملی مهنا خود
مانی و مهولی تحول مجلس دادند
آن روز کسانی که از ابتدا باقای
مسته فی همچو ایمان قصر و پا بر
جائزی نداشتند ملتفت ندند که (اما) ی

کند - برا ای سیه چه

برای اینکه همه با هم تعارف

داریم - این مقدمه و لفافه کفتو

کردن برای این مقدور نیست

کیست که بدلات شما یا یاد

و مثل اینه ای مطلی بکوید، قصودش

چیست؟

هیج عصبانی نمودید - از شرخ

که در خصوص ارادتش می گوید

کسل نباشد - بکذارید چلوه بدهد

که به د قصد زیارت حضرت عالی

آمده - حوصله گند بس از آنکه

نیم ساعت وقت شما - غیر شما

- را بی انصاف کرده و بیاد داد

آن وقت خواهید فهمید بد بخت

برای چه این همه در درس و می

دند

و اقعا این تعارف نیست

باچ صفت نس و سنت اراده است

که عزما روز بروز می دهد و تما از

این دو به مخالفین افای مستوفی

را زیاد کرد

حرف حسایشان

این بود که ما از زمین اوزرا نوع

لداشتیم دلماس زندگانی اقتصادی

ایران نمیرات مهی بدهند

ایران را باید بکند - نه - ما فقط

انتظار داشتیم اه بیطر فانه انتخابات

بهر کت آمده اند

حتی در فرانه که علاقه مفرط به

مؤسسات جمهوری داشتند نهضت ارجاعی

در لباس شام پرستی عرض اندام پرده

است

این جنبش ها برای نمدن اروپا

خالی از خطر نهست. ولی چیزی که

همه فراموش آردند

فلاتک و نهاده زریزی اروپا بجذب

ماه بیش از شصت نفر و کیل دوره

پنجم رادر در مرگ حاضر خواهند گرد.

این حرف حسایی نیست؟

بکوید این ها هیج می بوط به

تمارف نیست

اگر عده ای از ممالک عالم - مخصوصاً

انگلستان - معتقد اند که باید در آن عهد

نامه تجدید نظر کرد

شاید معتقدین ناین مثله امروز یافردا

دارای اکثریت شده و موفق بستکیل

کشتن انسی برای ضمید نظر در معاهمه

شوند. اگر چنین حاده ای رخ دهد

البته امر بنا طرفدار آن خواهد بود

ولی حرف در اینجا بیت که معاهده

که اینه آفای مستوفی بیک ماه پیش

یادداشت یونس

۱۵ حمل

هیج ذکر کرده اید تعارف با جان

ما چه میکند؟

هر ایرانی چهل ساله هیج نباشد

چهار سال تعارف کرده: چهارسال

ملاقات بی نز و پذیرایی بلا

بنظر اول این حرف اغراق است

ولی خیر اینطور نیست. از فردا

مداد بردارید و تایله هفته وقت

هایی را که برای تعارف از دست

داهم اید در یک دفتر بغلی بنویسید

روز هشتم یادداشت ها را بیاورید

چه میزیم - حباب میکشم و

من بینیم چند ساعت عمر بشق تعارف

از دست شما رفته

الته بچشم مردم ایران هر قدر

من شایسته قله شده باشد مقول

قد و نجیب تر جلوه خواهید کرد.

ولی مغلای عالم بعقل شما و بند

و سایر هیومنان مزیر بند و فما

میخندند.

راستی خود مانیم - انسان

عاف هم عرض وایه و دور می

ریزد و

ساعاتی را که باید صرف کسب

کمال گرد - صبح و غصی را

که باید برایه تهیه و سایل اسایش

خانواده و تامین روز بیزیست بکار

برد - وقتی را که باید بصرف

ترقی مملکت زد - شبی و امید

با مشاهد فکر و بدن اضلاع داد

- این اوقات را بکدام عقل -

محض خاطر هیج - از دست می

دهید

مطلع را که در ده دقیقه می

شود کفت و شنید - یک جلد

حاشیه می زینم - چرا؟ برای اینکه

تعارف بی پرچاری نی شود

حرف که در یک جلسه باید به

نتیجه برسد دو سه مجلس دیباچه بیدا

